

جایی برای آموختن

شب‌نم رفوآ

پژوهش‌های اخیر در زمینه تعلیم و تربیت ثابت کرده است که عادت به مطالعه یک امر اکتسابی است.

یعنی همان‌طور که یک کودک، خواندن و نوشتن را یاد می‌گیرد، می‌تواند مطالعه را هم بیاموزد. پس باید روش مطالعه را به او آموخت و او را به خواندن عادت داد.

مدرسه دومین جایگاه تربیتی انسان است که کودک اصول و قواعد خواندن و نوشتن را فرامی‌گیرد و می‌آموزد که بدون کمک والدین و معلمان خود مطالب کتاب را بخواند و بفهمد. کودک به دلیل همین تحول بزرگی که در خود احساس می‌کند، اشتیاق فراوانی به مطالعه دارد و هر لحظه می‌خواهد بیشتر با دنیای پررزم و راز درون کتاب‌ها آشنا شود.

برای بسیاری از کودکان، مدرسه اولین مکانی است که آنها را با خواندن و مواد مکتوب آشنا می‌کند، زیرا یا به دلیل بی‌سوادی پدران و مادران و یا به سبب عدم‌عادت به مطالعه آنان، کودکان فرصت تجربه‌های مفید خواندن در خانواده‌ها را نمی‌یابند، لذا مهم‌ترین وظیفه مدرسه طراحی و پیاده کردن برنامه‌ای آموزشی و پرورشی مدونی است که کودک را متناسب با هر مقطع سنی و هر پایه درسی، به دنبال کردن علایق خود در کتاب‌های غیردرسی تشویق کند. شکل‌گیری عادت به مطالعه در مدرسه و گسترش آن به نگاه نظام آموزشی به مقوله آموزش و پرورش بستگی دارد.

نظام آموزش و پرورش در کشورهای جنوب و از جمله کشور ما، نظامی غیرپویا و تک‌محور است. نظام تک‌محور، نظامی است که براساس یک کتاب و یک جزوه درسی شکل می‌گیرد و معلم و دانش‌آموز خود را از هرگونه مراجعه به دیگر منابع اطلاعاتی بی‌نیاز می‌داند؛ نظامی که ساختار متون درسی آن درون‌زا نیست و همین باعث می‌شود که دانش‌آموز از خواندن آن احساس لذت نکند و از ادامه راه باز ماند. در این نظام نگاه دانش‌آموز و حتی دانشجو از خواندن رفع تکلیف است، به بیان دیگر در نظام مدارس نگرش به کتاب و مراجعه به آن با انگیزه وظیفه‌مندی انجام می‌شود. به دلیل عدم‌پویایی نظام آموزشی، موانع جدی هم بر سر راه این تداوم خواندن ایجاد می‌شود؛ زیرا در چنین نظامی معلم و دانش‌آموز بی‌نیاز از منابع گسترده علوم و معارف بشری هستند.

اما در شرایطی که نظام آموزشی، دانش‌آموز محور باشد و کتاب درسی نقطه شروع فعالیت آموزشی معلم و دانش‌آموز تلقی شود و هیچ فعالیت آموزشی و پرورشی بدون بهره‌گیری از سایر منابع دانش بشری امکان پذیر نباشد و به جای روش‌های مکانیکی متکی بر حافظه از روش‌های بینشی مبتنی بر تجزیه و تحلیل استفاده شود و ملاک ارزشیابی، پیشرفت‌های فردی دانش‌آموز باشد، آنگاه کتابخانه با رسالت بارور کردن روند آموزش پا به عرصه وجود می‌گذارد، در آن صورت کتابخانه «قلب آموزش و پرورش» تلقی می‌شود و همه فعالیت‌های جاری آتی یک مدرسه در کتابخانه آن سازماندهی می‌شود و کتابدار و معلم به‌طور مشترک برنامه‌های آموزشی و پرورشی را با اتکا

به منابع موجود ترتیب می‌دهند. به این ترتیب است که «کتابخانه مدرسه، دستگاه حرارت مرکزی و روح مدرسه می‌شود.»

کتابخانه‌های مدرسه به‌عنوان مکمل برنامه‌های آموزشی در امر تعلیم و تربیت اهمیت به‌سزایی دارند. دانش‌آموز در مدرسه می‌آموزد که چگونه بخواند ولی کتابخانه به او یاد می‌دهد خواندن را به حکم نیازهای تربیتی، شخصی و حرفه‌ای دوست بدارد. کتابخانه مدرسه به جامعه مخاطب خود کمک می‌کند که آموزش به‌طور پیوسته ادامه یابد و قدرت مطالعه صحیح و خودآموزی را به دست آورد، زیرا در دنیایی که هرروز مسائل دشوارتر و پیچیده‌تری مطرح می‌شود، ضرورت دارد که افرادش به‌ویژه از سال‌های کودکی و نوجوانی در مسیر صحیح کسب دانش و افزایش دانش و افزایش اطلاعات به‌منظور ایجاد توانایی و امکانات در حل دشواری‌های فردی و اجتماعی قرار گیرند.

کتابخانه مدرسه موجب شکوفایی استعداد دانش‌آموز می‌شود و او را جست‌وجوگر بار می‌آورد، حتی از حد دانایی فراتر رفته و روح علمی را در وی تقویت خواهد کرد. با چنین دیدگاهی، کتابخانه مدرسه یک نمایشگاه و جایی دیدنی نیست و نباید در حد یک گذرگاه و یک ماوای موقتی تلقی شود. مسلماً کتابخانه مدرسه نه تنها برای تامین اوقات کلاس‌های درس بدون معلم ایجاد نشده است بلکه همراه کلاس درس است و به سرشاری آن کمک می‌کند.

بدین ترتیب فرهنگ کتابخوانی با وجود مشکلات بیشمار خانواده‌ها که مهم‌ترین آنها عدم‌شناخت ارزش‌های فرهنگی به‌ویژه در کشورهای جهان سوم است، به دست مدرسه و کتابخانه مدرسه به وجود می‌آید و نضج می‌گیرد. اما این باور فقط در صورت نهادینه شدن آن به بار خواهد نشست؛ یعنی باید در برنامه‌های آموزشی مدرسه‌ها به مطالعه کتاب‌های جانبی و استفاده از کتابخانه مدرسه مانند سایر درس‌ها توجه لازم شود و این فکر در دانش‌آموز تقویت شود که یاد گرفتن فقط به کلاس درس و کتاب‌های درسی منتهی نمی‌شود بلکه همه جا و همه چیز می‌تواند آموزنده باشد.

در نهایت کودک و نوجوان دانش‌آموز در می‌یابد که اجتماع و هر آنچه را که جامعه در برمی‌گیرد منابعی برای کسب آگاهی‌های او به شمار می‌روند. همچنین متوجه می‌شود که آموزش مداوم نیاز انسان بالنده است و به زمان و مکان مشخصی محدود نمی‌شود. خواندن کتاب و به‌طور کلی بهره‌گیری از انواع مواد نوشتاری، دیداری و شنیداری از ساده‌ترین و مهم‌ترین کمک‌های آموزشی است که با کمک کتابخانه مدرسه ممکن و میسر می‌شود.

در واقع با کمک کتابخانه مدرسه توان بهتر خواندن، بیشتر خواندن و برانگیختن ذوق مطالعه در کودکان و نوجوانان پایه‌گذاری می‌شود تا ضمن عادت به مطالعه و آموزش درست خواندن، برای استفاده از سایر کتابخانه‌ها در مقاطع مختلف دوران زندگی آماده گردند.

بدین ترتیب کتابخانه مدرسه یکی از مهم‌ترین ابزار پایه برای ایجاد عادت به مطالعه در دوران خردسالی به شمار می‌رود و از ویژگی‌های آن در نظام پیشرفته آموزشی، پیوند دادن کلاس درس و برنامه آموزشی با کتابخانه است.

منبع: همشهری آنلاین